

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲ • ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۵ • ۴ جولای ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۴۵ • اذان صبح فردا ۲۰:۰۹ • طلوع آفتاب ۴:۵۴

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

۳۴

میلیون نفر

تحقیقی با جامعه آماری ۳۴ میلیون نفر که به‌تازگی در ایران انجام شده، نشان می‌دهد ۱۲ درصد به شکل حرفه‌ای مخاطب بازی‌ها هستند. بیشترین دسته بازیکنان در ایران متعلق به بازیکنان علاقه‌مند است که ۴۵ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. بازیکنان مرد جمعیتی بالغ بر ۲۰ میلیون و بازیکنان زن جمعیتی برابر با ۱۴ میلیون را به خود اختصاص داده‌اند.

۷۵

درصد

سه‌چهارم رای‌دهندگان آمریکایی می‌گویند حزب دموکرات برای تصدی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۲۴ با شخصی غیر از رئیس‌جمهور جو بایدن شانس بهتری خواهد داشت. نگرانی‌های فزاینده درباره سن و سلامت شناختی بایدن پس از عملکرد ضعیفش در مناظره با ترامپ تشدید شده است.



۲۶ جانباز هشت سال دفاع مقدس پیش‌ازظهر سه‌شنبه (۱۲ تیر ۱۴۰۲) هم‌زمان با سالگرد حمله ناوگان آمریکا در سال ۱۳۴۷ به هواپیمای مسافربری ایران در خلیج فارس، در جست‌وجوی شهیدان پرواز ۶۵۵ فاصله دو مایل دریایی (۳۰٫۵کیلومتر) اسکله کندالو در جزیره قسم در جزیره هنگام محل شهادت مسافران این هواپیما را شنا کردند.عکس: اصغر بشارتی، ایرنا

خشم سرکوب‌شده زنان

درباره خشم‌برانزنده‌شدن علنی است نه خشم فروخته از اطرافیان مانند شریکی که کارهای خانه را انجام نمی‌دهد یا پدری الکلی».

کاکس معتقد است گاهی خشم با عشق همراه است و این حس پس از آن پدید می‌آید که انتظار از فرد مقابل برآورده نشود یا احساس شود به او بی‌اعتنایی شده است. به عبارت دیگر، این موضوعات شخصی‌تر از خشم درباره وقوع یک جنگ یا شکست یک دولت برای حل بحران آب و هوایی است، جایی که «شما می‌توانید با آنچه در حال رخ‌دادن است همدلی کنید». کتاب کاکس به خشم‌های خاص زنان پرداخته است؛ از جمله احساسات حل‌نشده در مورد سقط جنین و از دست دادن فرزند، احساس درماندگی و تحقیر در محل کار، آزرده‌شدن از شریک زندگی که سهم خود را در خانه انجام نمی‌دهد یا هنگامی که دچار آزار و اذیت جنسی و خشونت می‌شوند. استدلال او اساسا این است که تعجب‌آور نیست که احساسات سرکوب‌شده زنان، ناگهان منفجر می‌شود. کاکس به واکنش‌های برآمده از خشم سرکوب‌شده زنان می‌پردازد، زنانی که خشم منکوب‌شده خود را از طریق مزاح‌شدن در فضای مجازی نشان می‌دهند. آنان از این روش وحشتناک و خشن مخفیانه برای تخریب دیگران استفاده می‌کنند.

کاکس همچنین در این‌گفت‌وگو با گاردین به نکته دیگری نیز اشاره می‌کند، او عمدتا با مجرمان مرد خشن در ارتباط بود و حالا متعجب است که با همان احساسات زنان در مطب خصوصی خود مواجه می‌شود. البته مواجهه زنان با این موضوع کاملا متفاوت است؛ زیرا این خشم برای آنها تبدیل به دردی جسمی شده است، زنان می‌گویند: «من میگردم، دارم، سندروم روده تحریک‌پذیر وحشتناک دارم، ترس از ارتفاع دارم، من دچار نپیک می‌شوم، من بسیار افسرده هستم».

البته «کاکس» استدلال می‌کند که خشم زنان بسا مردان متفاوت است؛ زیرا زنان در یک جامعه مردسالار، ناگزیر هستند که آن را علنی نشان ندهند (همان‌طور که مردان ناگزیرند غم یا ترس خود را نشان ندهند).

vahdatiha

charityvahdat.ir

#این_خانه_اگر_سبز_است_امید_شمايید



مرکز خیریه نگهداری از دختران معلول ذهنی

وحدت

آدرس: پاسداران، خیابان شهید افشاری (ساقدوش)، کوچه وحدت، پلاک ۶

حساب تجارت: ۳ ۶ ۹ ۲ ۶ ۳ ۱ ۷

کارت تجارت: ۵۸۵۹۸۳۷۰۰۰۵۲۳۴۸۶

تلفن: ۲۲۹۴۲۱۳۲-۲۲۹۴۷۰۱۴ (۰۲۱)

شاهنامه‌خوانی

بر دار کردن کهرم فرزند ارجاسب



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

با کشته‌شدن ارجاسب، روبین‌دژ به فرمان اسفندیار درآمد و در همان گاه سپاه ارجاسب در بیرون از دژ برای روبرویی با سپاه اسفندیار در کمین نشسته بود. چون سه پاس از شب بگذشت و ماه بر تخت سیمین نشست، پاسبانان با آوای رسا برخوردشیدند که گشتاسب‌شاه پیروزبخت است. ترکان چون این خروش شنیدند، سراپا گوش شدند که این با سپاه چه می‌گوید. کهرم برادر خویش، اندریمان را گفت: «این ناخبرد پاسبان چه یاوه‌ای می‌یافتد، کیست که می‌تواند لب به نام گشتاسب در سرزمین ارجاسب بگشاید، کسی را بفرست تا سر آن پاسبان را به خنجر ببرد. این چه بازی است که پاسبان در روز جنگ درآورده است که مردان سپاه دل‌نگران خواهند شد». در این هنگام آواز پاسبانان که نام گشتاسب را پراوا کرده بودند، رساتر گردید و دل کهرم سخت آزرده شد و به نزدیکیان خود گفت: «این آواها دیگر از پاسبانان فراتر رفته است، بگوشید دشمن را از خانه بیرون کنیم، چگونه است که ارجاسب در خواب مانده و این تلخ‌آوا را نمی‌شنود، دلم پیر از رنج و جانم تباه شد. گاه آن است که به دژ بازگردیم تا بدانیم چه باید کرد».

سپاهیان چینی به فرماندهی کهرم دشت نبرد را بگذاشتند و به سوی روبین‌دژ بازگشتند و چون کهرم به باره دژ رسید، بخش سپین لشکر ایرانیان را بدید و به اندریمان گفت مسا را جز رزم چاره نیست، زین پس باید تیغ از نیام برکشید و با خنجر پیام فرستاد. دو سپاه درهم آویختند و گرزهای پولادین را بر سر یکدیگر کوبیدند و تا سبیده‌مان از آسمان گرز و تیغ و تیر باریدن گرفت. چینیان به پشتوانه ارجاسب که در دژ است و اتان را یاری خواهد رساند، دلاورانه می‌جنگیدند و پای پس نمی‌کشیدند. مردان اسفندیار چون پایداری چینیان دیدند بر بلندای باره رفته، سسر بریده ارجاسب، همان کسی که خون لهراسب بی‌گناه را ریخته بود، به پیش سپاه ترکان افکندند. ترکان با مشاهده سسر ارجاسب از جنگ دست نکشیدند و از سپاه توران خروشی برآمد. دو فرزند ارجاسب گریان شدند، چنان که کویی از آتش تیز بریان شده باشند، آنان در سوگ نشستند.

بگفتند رادا دلیرا سسر/ اسپهدار شیر اوژنا مهترا
که کشتت که بر دشت کین کشته یاد/ برو جاودان روز برگشته باد
زار زدند دیگر چه کسی در دل سپاه جای می‌گیرد و اگر ارجاسب نباشد، تاج و تخت و سپاه مباد.

سپاه ترکان با دیدن سر از تن دور‌شده فرمانده خود خشمگین و خونین‌چشم بر ایرانیان تاختن گرفتند و از آن پس همه به پیشواز مرگ شتافتند. آوای ده و دار از زرمگاه برخاست و آسمان به کردار ابر سپاه شد، در هر جای این دژم‌دشت از کشته، پشته برآمده بود، همه دشت پوشیده از پیکرهایی بی‌سر و تن بود و در کنارشان گرز و کوبال بر زمین فرو ریخته بود.

اسفندیار از دژ بیرون آمد و در پیشاپیش سپاه جای گرفت. سپهدار کهرم با دیدن اسفندیار به سوی او تاختن گرفت. دو نبرده مرد با هم برآویختند، اسفندیار دست در کمریند کهرم برده، او را از زین برکنده بر زمین زد، آن‌چنان که آوای «ز» از لشکریان ایران برخاست و آنچه از سپاه چینیان به گوش رسید «آه» بود. دو دست کهرم را بیستند و او را خوار به پشت سپاه ایران فرستادند. ترکان اکنون دیگر از بیم جان خویش می‌جنگیدند. از آسمان گرز چون ترکر می‌بارید و زمین پوشیده از زره‌داران و ترک‌پوشیدگان بود و از هوا مرگ می‌بارید در آن زرمگاه خون موج می‌زد و سرهای آرزومند بود که در زیر نعل اسبان، پایمال آرزو می‌شدند و حکیم توس چون این همه آرزو را پایمال‌شده می‌بیند خود به گفتار آمده، می‌گوید:
ندانند کسی آرزوی جهان / نخواهد گشادن به ما بر نهان
کسی کش سزوار بد بارگی / گریزان همی راند یکارگی
هر آن کس که شد در دم ازدها/ بگوشید و هم زو نیابد رها.

طبق باورهای نهادینه‌شده در جامعه، زنان باید تحت هر شرایطی بسیار خوب، پذیرا و مهربان باشند. دخترها یاد می‌گیرند که گریه‌کردن خوب است، اما فریادزدن غیرزانه است. زنان مس‌تر عصبانی، اگر فریاد بکشند تبدیل به کاریکاتوری می‌شوند، در حالی‌که به زنان جوان‌تر حتی اگر در زمان و مکان درستی عصبانی شوند گفته می‌شود که نمی‌توانند یک شوخی را تحمل کنند. زنان سیاه‌پوست در صورت عصبانی‌شدن برچسب پرخاشگر می‌خورند». کاکس می‌گوید: «جامعه هر راهی برای سرکوب‌کردن زنان داشته باشد، انجام می‌دهد و این رفتار با زنان سیاه‌پوست خشمگین نوعی کلیشه است. در همین حال، زنان سفیدپوست خشمگین نیز با عنوان ناله‌کننده‌های طبقه متوسط شناخته می‌شوند. اساسا، زنان یاد می‌گیرند که خشم از نظر اجتماعی قابل قبول نیست و از دست دادن کنترل به این معناست که احساس آنان جدی گرفته نخواهد شد و جایگاه اجتماعی‌شان از دست خواهد رفت. این واقعا تحقیرکننده و شرم‌آور است. ما به نوعی خودمان از خودمان خجالت می‌کشیم، بنابراین بهترین راه نشان‌ندادن احساسات و فروخوردن خشم است. احساساتی که انکار باید زیر لایه‌های بسیاری مخفی شود». در این گزارش گاردین با یک روان‌درمانگر دیگر نیز گفت‌وگو کرده است: «وقتی خشم‌ها برطرف نمی‌شود، می‌تواند دوباره به‌عنوان شرم ظاهر شود یا در نهایت زنان احساس می‌کنند مشکلی در وجودشان هست و تقصیر از آنهاست». در بخش دیگری از این مقاله آمده است: «چیزی که باید عادی شود، سرزنش‌کردن نیست، بلکه اذعان‌کردن علنی به خشم است. به‌طوری‌که بتوانید روی تلاش برای رفع هر چیزی تمرکز کنید که سبب خشم شما شده است». اما پیشنهادها برای درمان خشم، گاهی به سادگی شمع فوت‌کردن یا نفس عمیق کشیدن نیست، بلکه از نظر روان‌درمانگران نکته مهم این است که ابتدا دلیل به وجود آمدن خشم را از میان ببرند. کاکس می‌گوید: «هدف نهایی این نیست که دیگر هرگز عصبانی نشویم. [خشم] به دلیلی وجود دارد. ما آن را به‌عنوان بخشی از وجود خود می‌دانیم. اما هدف دست‌یافتن به راهی است که بتوانیم کنترل خود را داشته باشیم».

یادداشت

گرفتار در کریدور سیاسی



وحیدمعتمدنژاد

سوخته و در اندک‌زمانی پس از انتخاب به سردی گراییده و دست ما کوتاه و خرما بر نخیل مانده! در مناظره سه‌شنبه‌شب هرچند واژه «عبور» در مطالبات اجتماعی را به‌گونه‌ای متفاوت معلق کرد و راه را برای تنظیم سیاستی جدید از سوی نظام و دولت جدید گشود، اما در صندوق خاطرات سیاسی ملتی صورت با چپنشی «سرریزگر» ذخیره شد. گذشته از تمام بی‌عهدی‌ها که در «سپاه‌ها» رنگ باخت و جامعه امروز را به این شکل دچار تلاطم کرد، وعده‌هایی است که از سوی دو کاندیدای محترم برای «رای‌آوری» بیان شد. اینکه در مناظره بینگ‌پنگ عملکرد سیاسی دو جناح و دو رقیب بر میز ملتی ناظر و آگاه به پیروزی کدام‌یک انجامید و در عمل به انتخاب نهایی کدام بینجامد، انتظاری است که از اوپسین روزهای آینده در سفره تکبیده ایرانی در ظروفی نیمه‌خالی نمایان خواهد شد. پشوتوانه و تضمین این وعده‌ها زمانی شکوفه خواهد زد که چراغ تابان تبلیغات سیاسی رو به خاموشی نهد و از درون دفاتر اداری با زرق و برق سیاسی بچهره‌ای به سمت ملت کشوده شود، در غیر این‌صورت ملت به دنبال «نردبان حسرت» در بازاری مکاره خواهند رفت تا به لایه‌های پنهان قدرت سرک بکشند، شاید خشمی بر خشمی پلک بکشاید.

سبزخوانی

توله‌یوز جدید «گیسو» نامیده شد

پیداشدن این توله‌یوز و رصد وضعیت برای اینکه از سرنوشت مادرش اطلاع کسب کنیم و اینکه آیا توسط سگ‌های گله از بین رفته است یا عوامل محیطی، نتیجه خاصی حاصل نشد. پس از پرس‌وجوی محلی هیچ ردی از چرای دام یافت نشده و یقین پیدا شد که مادر یوز نابالغ یا توسط شکارچیان انسان یا شکارچیان حیوان مانند پلنگ یا گرگ از بین رفته است. پس از کسب دستور مینی بر زنده‌گیری حیوان، اقدامات اولیه صورت گرفت». رئیس پارک ملی توران با اشاره به اینکه یوز نابالغ به‌شدت ضعیف شده بود و قدرت شکار هم نداشت، تأکید کرد: «باید زودتر وارد عمل می‌شدیم».

رئیس پارک ملی توران از اضافه‌شدن یک قلاذه یوزپلنگ آسیایی به جمعیت یوزپلنگ‌های ساکن در مرکز تکثیر در اسارت پارک ملی توران خبر داد و گفت: «این توله‌یوز «گیسو» نام‌گذاری شد». رئیس پارک ملی توران در گفت‌وگو با تسنیم در میامی اظهار کرد: «در روزهای پایانی خردادماه امسال اطلاع یافتیم یک قلاذه توله‌یوز در منطقه کلاته ملای فرومد بدون حضور مادر خود مشاهده شده است. پس از اعزام به منطقه و انجام بررسی لازم متوجه شدیم این یوز به دلایل نامعلومی مادر خود را از دست داده است». رئیس پارک ملی توران اضافه کرد: «پس از اتراق پنج‌روزه در محل



شماره ثبت ۳۹۱۱